

عوامل مؤثر در آرامش خانواده از دیدگاه اسلام

□ محمدالله مسلمی

چکیده

خانواده از منظر و حیانی، دارای جایگاه والای بوده و از قداست و معنویت بالایی برخوردار است. از دیدگاه دینی یکی از اهداف مهم و کلیدی تشکیل خانواده رسیدن به امنیت و آرامش است. آرامش و امنیت زمانی در خانواده محقق می‌شود که بنیاد خانواده بر اساس صفا و صمیمیت و مهر و مودت استوار گردیده باشد. استواری و پایداری خانواده منوط به همکاری و همنوایی زوجین می‌باشد، همنوایی، مهر و محبت هنگامی ثبات و استحکام می‌یابد که همسران به نیازهای معقول و مشروع همدیگر توجه نموده و آنها را برآورده سازند، زیرا همان‌گونه که توجه همسران به نیازهای عاطفی و روانی همدیگر، استحکام خانواده را افزایش می‌بخشد بی‌توجهی به نیازهای اساسی زوجین، کانون با صفا و گرم خانواده را به چالش کشیده و متزلزل می‌سازد. در این نوشتار سعی گردیده است مهم‌ترین عواملی که در تحکیم و ثبات خانواده نقش اساسی ایفا می‌نماید مورد بحث قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: امنیت، آرامش خانواده، عوامل، تحکیم خانواده

مقدمه

خانواده یکی از مهمترین و مؤثرترین عوامل دست‌یابی به کمال و اهداف عالی و متعالی انسانی است. خانواده نهاد مقدسی است که بر پایه‌ء عهد و پیمان الهی شکل گرفته، با حضور فرزندان، رابط اعضای خانواده عمیق‌تر و گسترده می‌گردد. خانواده مناسب‌ترین نظام برای تأمین نیازهای مادی، معنوی بشر بوده بستر مناسب برای برآوردن آرامش روانی اعضای خانواده و پرورش نسل جدید است.

با این همه جایگاه مهمی که خانواده دارد، در عصر و زمانی فعلی نظام خانواده دچار مشکلات بسیاری گردیده است، به گونه‌ای که بسیاری از خانواده‌ها را نا به سامانی و فروپاشی تهدید می‌کند. به طوری که کارایی خانواده و حتی بنیان، اساس و تمامیت آن را متزلزل ساخته است. امروز مشکلات فراوانی برای خانواده به وجود آمده است. تنش‌ها و کشمکش‌های خانوادگی، انحرافات نوجوانان و جوانان، فرزندان خیابانی، فروپاشی خانواده‌ها و مشکلات بسیاری دیگری که دامنگیر خانواده‌ها شده است؛ نشان می‌دهد که نهاد مقدس خانواده بامشکلات جدی و تهدید کننده روبرو است.

سنت‌ها و ارزش‌های دینی، ملی و اجتماعی ما (مسلمانان) که بر پایداری و تحکیم خانواده تأکید می‌ورزد، متزلزل شده و یا به فراموشی سپرده شده است. تهاجم‌های فرهنگی برهنه گرایانه و بزهکارانه غرب، جوامع اسلامی و خانواده‌های ما را از هویت دینی، فرهنگی و ملی بیگانه نموده است. به طوری کلی بی‌توجهی به ارزش‌های دینی و آموزه‌های وحیانی از یک سو و الگوبرداری از فرهنگ فردگرایانه و لذت مدارانه غرب از سوی دیگر خانواده‌های اسلامی و شرقی را با چالش‌ها و آسیب‌های جدی و پر مخاطره مواجه ساخته است. بنابراین یگانه راه نجات امت اسلامی و خانواده‌های جامعه دینی در این است که با مراجعه به متون دینی و سخنان پیشوایان دین و راهکارهای ارائه شده از سوی آنان و عملیاتی نمودن راه حل‌های ارائه شده از سوی دین می‌توانند خانواده‌های اسلامی را از خطر تزلزل و فروپاشی بازدارند. در این پژوهش تلاش می‌گردد به عواملی که در تحکیم خانواده مؤثر بوده پردازد و آن در قالب پرسش‌های زیر مطرح گردیده است تا پاسخ داده شود.

۱. چه عواملی در آرامش خانواده مؤثر است؟

۲. تأمین نیازهای فیزیولوژیکی چه جایگاهی در آرامش خانواده دارد؟
 ۳. توجه به نیازهای روانشناختی چه نقشی در آرامش خانواده دارد؟
 ۴. تأمین نیازهای معنوی چه قدر در آرامش خانواده کمک می‌کند؟
 ۵. تأمین نیازهای عاطفی و عوامل دیگری تا چه حد در آرامش خانواده مؤثر است؟
- بحث در مورد مسایل خانواده پیشینه دیرینه دارد که تمام دانشمندان و محققان به آن توجه داشته‌اند. فلاسفه از دید فلسفی، روانشناسان از منظر روان‌شناختی، جامعه‌شناسان از دیدگاه اجتماعی و... به آن پرداخته و از زایه‌های گوناگون مسایل خانواده را مورد بررسی قرار داده‌اند و راهکارهای برای تحکیم و پایداری خانواده‌ها و بیرون رفت از نابسامانیها و مشکلات خانواده ارائه کرده‌اند. اما در تحقیق حاضر عوامل مؤثر بر آرامش خانواده از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار گرفته است.
- از آنجایی که خانواده نقش مهم و کلیدی در بعد مثبت و منفی جامعه ایفا می‌کند و بدون استحکام و آرامش خانواده، جامعه به پایداری، توسعه و آرامش نمی‌رسد. لذا بحث در باره علل و عوامل مؤثر آرامش خانواده از ضروری‌ترین و اساسی‌ترین بحث‌هاست که باید به آن پرداخته شود. در این مقاله تلاش شده است که مهم‌ترین عوامل پایداری خانواده‌ها به بررسی و تحلیل گرفته شود؛ زیرا بدون آرامش خانواده‌ها جامعه به آرامش و کمال نمی‌رسد.

مفاهیم

لازم است در اینجا خانواده تعریف و چستی آرامش، مفهوم یابی گردد و بعد از آن به عوامل مؤثر در قالب عوامل زیستی، روانشناختی و عاطفی بپردازد.

تعریف خانواده

صاحب نظران برای خانواده تعریفهای گوناگونی ارائه داده‌اند که در اینجا به نمونه‌های از آن اشاره می‌گردد:

۱. خانواده گروه کوچکی است که حد فاصل بین فرد و جامعه قرار گرفته است. (سالاری فر ۱۳۹۰ ص ۱۲)
۲. خانواده واحد اجتماعی نشأت گرفته از ازدواج یک زن و یک مرد است که فرزندان پدید

آمده از آنها آن را تکمیل می‌کنند (عیسی زاده ۱۳۹۰ ص ۲۷).

بنا بر تعاریفی که از خانواده ارائه شد خانواده دارای سه ویژگی است:

۱. خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است که در ساماندهی و ناسامانیهای اجتماعی سهم به سزای دارد.
۲. خانواده از دیدگاه اسلامی از یک زن و یک مرد براساس پیوند مقدس و تعهد الهی به وجود می‌آید.
۳. فرزندآوری و فرزندپروری استحکام و آرامش خانواده را بهبود می‌بخشد.

ماهیت و چیستی آرامش

آرامش و اطمینان از دغدغه‌های بنیادی و جدی انسان و جامعه است و آدمی در طول تاریخ به دنبال آرامش بوده و برای رسیدن به آرامش به هر وسیله توسل جست‌ه‌اند تا به آرامش رسیده و در پناه آن به آسایش برسند زیرا در بستر آرامش است که استعدادها و تواناییها انسان شکوفا و بارور می‌گردد، بدون آرامش روحی و روانی انسانها رنجور و ناتوان گردیده، استعدادها و توانمندیهای انسان به تحلیل رفته و ناتوان می‌گردد. آرامش روحی و روانی رمز بقا و شادکامی و خلاقیت بشر است بدون آن زندگی لذت بخش و ستودنی نیست در سایه آرامش روحی روانی است که زندگی معنا یافته و لذت بخش می‌گردد و تشکیل خانواده سهم به سزایی در آرامش روحی- روانی انسان ایفا می‌نماید. نقش آرامش روانی در زندگی همانند نقش آب در مزرعه و اکسیژن در حیات بشری است که جایگاه ویژه در پایداری و سلامت خانواده دارد. لذا لازم به نظر می‌رسد که ابتدا واژه آرامش و واژگان هم‌معنا و مترادف آن مورد بررسی قرار گیرد.

آرامش واژه فارسی است در لغت به معنای آرامیدن، طمأنینه، سکینه، شادی، آسایش، استراحت، آشتی، امنیت و ایمنی آمده است. (دهخدا ۱۳۷۳ ص ۶۷) در مقابل آن اضطراب است که به معنای پریشانی، لرزیدن و پریشان شدن است (معین بی تا ص ۲۹۵). معادل آن در عربی واژگان: السکون، السکینه، الطمأنینه، و الاطمینان است که به معنای آرامش به کار رفته است (قرشی بی تا ج ۳ ص ۲۸۲).

آرامش از دیدگاه روانشناسان عبارت است از پدیده قلبی و نتیجه تأمین نیازهای طبیعی و روانی انسان و در مقابل آن ترس و اضطراب قرار دارد.

تعریف آرامش از دیدگاه اسلامی: آرامش یعنی اطمینان خاطر که هرگونه تردید و وحشت را از انسان دور می‌نماید (شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام).

در تعریف آرامش چه در متون روانشناسی و چه در آموزه‌های دینی، بر آرامش درونی و قلبی تأکید ورزیده‌اند زیرا آرامش و اضطراب درونی است که در رفتارهای انسان بروز و نمود پیدا می‌کند و رفتار انسان را در بعد مثبت و منفی شکل می‌دهد.

الف) توجه به عوامل زیستی

انسان در فرایند زندگی خویش نیازمند به تأمین برخی عناصر و مؤلفه‌های است تا زندگی بهتر و مناسب‌تری داشته باشد؛ در ذیل به مهمترین عوامل زیستی اشاره می‌گردد.

۱. تأمین مالی در آرامش خانواده

درباره جایگاه امکانات مادی در آرامش خانواده دو دسته احادیث وجود دارند؛ بخش از روایات رفاه اقتصادی را موجب آرامش می‌دانند؛ دسته از روایات دنیاگرایی و طمع را مایه سلب آرامش می‌دانند. باتوجه به مجموع روایات، داشتن امکانات مادی به اندازه نیاز و کفاف ضروری است؛ ولی فقر و دنیاگرایی شدید آرامش را از خانواده و به طبع آن، از جامعه خواهد گرفت.

روایات فراوانی در منابع حدیثی وجود دارد که بیانگر نیازمندی خانواده به اقتصاد را بیان می‌دارد. رسول خدا (ﷺ) می‌فرماید: «ان النفس اذا احزرت قوتها ستقرت» (حکیمی، ۱۳۸۵ ج ۳ ص ۲۱۲). پیامبر (ﷺ) فرمود: هنگامی که انسان روزی خود را داشته باشد، آرامش می‌یابد. امام صادق (ع) به یکی از دوستانش که دیر به سوی کسب و کار می‌رفت، فرمود: «قد تأخرت عن السوق، فقال: اغد الی عزک» (همان ص ۲۱۳). راوی می‌گوید: امام صادق (ع) مرا دید که دیر به بازار آمدم فرمود: اول صبح در پی عزت خود (کسب و کار) برو.

امام صادق (ع) بدست آوردن مال را مایه عزت و شوکت انسان می‌داند. طبیعی است که رسیدن به عزت و کرامت موجب نشاط و امید می‌گردد. نشاط و امید به انسان آرامش می‌بخشد. همانگونه

که ذلت و فقر مایه یأس و ناامیدی انسان می‌گردد و آرامش را از انسان سلب می‌نماید. طبیعی است که رسیدن به عزت و کرامت موجب نشاط و امید می‌گردد. نشاط و امید به انسان آرامش می‌بخشد. همانگونه که ذلت مایه یأس و ناامیدی انسان گردیده و آرامش انسان را به هم می‌ریزد.

در حدیث دیگر می‌فرماید: «ثلاثة هي من السعادة... والرزق يرزق معيشة يغدو على صلاحها و يروح على عياله» (همان ج ۵ ص ۹۱) از خوشبختی انسان داشتن شغل و منشأ درآمدی است که صبح به سرو کار رود و شام به خانه باز گردد و داشتن خانه‌ی وسیع و مرکب (وسیله نقلیه) خوب موجب آرامش و رفاه انسان می‌باشد.

قال رسول الله (ﷺ): «من سعادة المرء... والمسكن الواسع والمركب البهي...» (مجلسی ۱۴۱۰ق ج ۷۳ ص ۱۵۹). از سعادت و خوشبختی مرد داشتن خانه بزرگ و مرکب خوب است. در حدیثی دیگر آمده است که خانه بزرگ موجب آرامش انسان می‌گردد؛ قال صادق (ع): «ثلاثة للمؤمن فيهن راحته دار واسعة توارى عورته وسوء حله من الناس و امرأة صالحة تعينه على امر الدنيا...» (همان ص ۱۴۸). آرامش و آسایش انسان در سه چیز است از جمله آنها داشتن خانه بزرگ است که ناموس و بدحالی او را بپوشاند.

قال السجادم: «خمس خصال من فقد فيهن واحدة لم يزل ناقص العيش زایل العقل مشفوالقلب... والثانية السعة في الرزق والدار...» (طبرسی ۱۴۱۰ق ص ۱۹۹) امام سجادم فرمود: هرکسی روزی و خانه نداشته باشد، زندگیش ناقص، عقلش پریشان و دلش گرفتار خواهد بود.

امام علی (ع) فقر را باعث کاستی دین و سرگردانی عقل و بروز خشونت می‌داند: **فان الفقر منقصة للدين، مدهشة للعقل و داعية للمقت (نهج البلاغه حکمت ۳۱۹).**
پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود:

من كان في مصر من الامصار يسعى على عياله في عسره او يسره جاء يوم القيامة مع النبيين... ولكن في منزلتهم» (متقی هندی ۱۹۸۹م ج ۱۶ ص ۲۸۲). فرمود هرکسی در شهری از شهرها برای خانواده‌اش تلاش کند، خواه در تنگ دستی به سر ببرد یا در گشایش، روز قیامت، با پیامبران می‌آید و در مقام و منزلت آنان است.

أسد الغابه به نقل از انس می‌گوید: هنگامی که پیامبر خدا (ﷺ) از جنگ تبوک بازگشت، سعد

انصاری، به استقبال ایشان آمد و پیامبر (ﷺ) با او دست داد. سپس به او فرمود: چرا دستانت پینه بسته؟ گفت: ای پیامبر خدا! طناب می کشم و بیل می زنم تا خرجی خانواده ام را فراهم آورم. پیامبر (ﷺ) دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش (دوزخ) به آن نمی رسد. (أسد الغابه ج ۲ ص ۴۲۰)

در حدیثی امام علی (ع) می فرماید:

من طلب الدنيا حلالا تعظفا علی والد او ولد او زوجة، بعثه الله تعالی وجهه علی صورة القمر لیلة البدر. (امام زید بی تا ص ۲۵۵) هرکسی از سر دلسوزی برای پدرش یا فرزندش یا همسرش، در طلب حلال دنیا باشد، خداوند متعال، او را با چهره ای ماه شب چهارده [ازقیرش] بر می دارد.

امام زین العابدین (ع) می فرماید: «ارضاکم عندالله اسبغکم علی عیاله» (حرانی ۱۴۰۴ ص ۲۱۹)؛ امام زین العابدین (ع): خشنودترین شما نزد خداوند، کسی است که خانواده خود را بیشتر در رفاه قرار دهد.

با توجه به احادیثی که ذکر شد به این نتیجه می رسیم کسانی که از درآمد مناسب برخوردار باشند، دارای وسیله نقلیه خوب و خانه مناسب باشند از آرامش روانی برخوردار خواهند بود. چنانچه کسی که درآمد مناسب نداشته و محلی مناسبی برای زندگی نداشته باشد و از نگاه معیشتی در تنگنا باشد به آشفتگی فکری و روانی دچار خواهد شد و در نتیجه آرامش خانواده نیز آسیب خواهد دید.

۲. سلامت در آرامش خانواده

آرامش روانی ارتباط وثیقی با سلامت فرد و اعضای خانواده دارد. بیماری نه تنها جسم انسان را نحیف و ناتوان می سازد، بلکه فکر و اندیشه او را تباہ ساخته و زندگی را بر انسان ناگوار، تیره و تحمل ناپذیر می سازد. از دیدگاه پیشوایان دین زندگی بدون سلامتی ناگوار، سرد و بی طراوت می باشد.

امام علی (ع): «بالصحة تستكمل اللذة» (آمدی بی تا ص ۴۸۳). لذت همراه با سلامتی کامل می گردد و نیز می فرماید: «العافية اهني النعم» (همان) سلامتی گواراترین نعمت ها است. رسول خدا (ﷺ): «یا علی لاخیر فی الحیاة الا مع الصحة». (صدوق ۱۴۱۳ ج ۴ ص ۳۷۰) در زندگی بدون سلامتی خیری نیست. امام صادق (ع): «خمس من لم تکن فیہ لم یتهن بالعیش الصحة والا

من....» (طوسی ۱۴۱۴ق ۲۹۱) کسی که در او پنج چیز نباشد زندگی گوارایی نخواهد داشت. یکی از آنها نبودن سلامتی و عافیت است. امام علی ع: «بصحة المزاج توجد لذة الحياة». (آمدی بی تا ص ۴۸۳) در صحت مزاج است که لذت حیات چشیده می شود.

نیز فرمود: «ثوب العافية اهنأ الملابس». (همان) لباس عافیت کاملترین پوشش ها است. هم چنین حضرت فرمود: «المرض حبس الیدين». (همان) بیماری زندان تن است. بالآخره امام سجاد ع فرمود: «خمس خصال من فقد فيهن واحدة لم يزل ناقص العیش زایل العقل مشغول القلب فاولهن صحت البدن...». (طبرسی ۱۴۱۴ص ۱۹۹) اگر کسی سلامتی نداشته باشد زندگی ناقص، عقلش پریشان و دلش گرفتار خواهد بود.

این احادیث بیان می دارد که سلامتی وابستگان و اعضای خانواده، نقش بسیار ارزشمندی در تأمین آرامش روانی، خلاقیت اندیشه و... خانواده دارد. افراد و خانواده که از سلامت جسمی و روانی برخوردار نیستند، زندگی با نشاط و لذت بخشی ندارد. کسی که نشاط و لذت مشروع در زندگی نداشته باشد؛ از آرامش روانی و معنوی بی بهره بوده؛ زندگی برای آنها همانند زندانی تاریک است که جز نا امنی و ناکامی نصیب آنها نخواهد شد.

بنابراین به این نتیجه می رسیم، خانواده‌ی که از سلامت جسمی و روانی برخوردار نیستند، از آرامش روانی نیز بهره مند نخواهد بود. خانواده که از سلامت جسمی و آرامش روانی بی نصیب باشند؛ نه تنها در ساخت جامعه سالم نقشی ندارند، بلکه با تربیت فرزندان نابهنجار و معیوب، امنیت و سلامت جامعه را با خطر مواجهه ساخته و زمینه بسیاری از کجروی‌ها و انحرافات را در جامعه پدید خواهد آورد.

۳. تأمین نیازهای جنسی در آرامش خانواده

غریزه جنسی یکی از طبیعی ترین غرایزی است که خداوند در نهاد زن و مرد قرار داده و براساس همین غریزه و جذبه جنسی بسیاری از افراد به ازدواج روی می آورند و از سوی دیگر انسانها (زن و مرد) طوری آفریده شده اند که احتیاج به همدم و مونس دارند، و وجود غریزه جنسی سبب می شود که نسل بشر استمرار و توسعه یافته و تمدن بشری به وجود آمده و استمرار یابد.

بدیهی است که تمدن بشری در صورتی دوام و تکامل می‌یابد که افراد جامعه از سلامت و آرامش روانی برخوردار باشند؛ آرامش روانی در صورتی در جامعه بشری پدید می‌آید که زیربنای جامعه (خانواده) به آرامش و سلامت روانی دست یافته باشند. ناگفته نماند که آرامش و بهداشت روانی خانواده زمانی سامان می‌یابد که بنیان خانواده، بر پایه شریعت و مؤدت بنا گردیده و اعضای آن از آرامش روانی کاملی برخوردار باشند. تنها در این صورت است که غریزه جنسی از طریق طبیعی و قانونی ارضا شده؛ بنیان خانواده شکل می‌گیرد و نیز در سایه عطوفت و مودت است که آرامش و آسایش در خانواده به وجود می‌آید. بنابراین فلسفه وجودی تشکیل خانواده، که رسیدن به سکونت و آرامش روانی باشد محقق می‌گردد.

یکی از محققین می‌گوید: «یکی از ابعاد وجودی مهم در زن و مرد، جنبه جنسی و شهوانی است که باید به صورت صحیح ارضا شود و اگر نه از مسیر طبیعی خلقت، منحرف خواهد شده و به ابعاد دیگری زندگی نیز آسیب خواهد زد». (فقیهی ۱۳۸۳ ص ۱۶) تردیدی وجود ندارد که زن و مرد مکمل یگدیگرند و لازم است نیازهای همدیگر را تأمین نمایند و اگر نه از مسیر خلقت و آفرینش الهی به کژراهه خواهد رفت و دچار آسیبهای روحی روانی و جسمی خواهد شد.

از دیدگاه تمام روانشناسان و زیست‌شناسان، غریزه جنسی، جزء غریزه‌های مادی (فیزولوژیک) ثانویه است که عدم ارضای صحیح آنها باعث مرگ انسان نمی‌شوند اما به ایجاد اختلالات بی‌شماری در انسان می‌انجامند که به صورتهای مختلف، خود را نشان می‌دهند. از قبیل بیماریهای روانی، انحرافات جنسی، بزهکاری و جنایت. (همان ص ۳۹)

در دین اسلام وجود این غریزه طبیعی بوده و بر ارضای طبیعی آن تأکید شده است. چنانچه هنگامی که پیامبر اکرم (پ) خبر رسید که عده از مسلمانان از زنان خود کناره‌گیری کرده‌اند و به عبادت مشغول شده‌اند، حضرت آنها را نکوهش نمود و عمل آنها را خلاف سیره و دستورات اسلام خواند.

بدین مناسبت خداوند آیه را نازل نموده و عمل آنها را مورد نکوهش قرار داد

یا ایهاالذین آمنوا لاتحرموا طیبة ما احل لكم و لا تعتدوا ان الله لایحب المعتدین
(مائده ۸۷). ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است حرام نکنید و از حد تجاوز ننمایید زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد.

عمل جنسی و ارضای طبیعی آن نه تنها پاسخ به نیازهای مادی است بلکه از آنجا که در آن عمل عواطف انسانی شکوفا می‌گردد و به نیازهای عاطفی زوجین توجه می‌شود تمایل به دیگر خواهی و کمال نیز پرورش می‌یابد. لذاست که پیامبر (P) فرمود: «در اسلام نزد خداوند، بنایی محبوب‌تر و غریزی‌تر از ازدواج نیست». (حرعاملی ۱۴۱۲ق ج ۱۴ ص ۳)

از آیه شریفه و حدیث نبوی (P) چنین دانسته می‌شود:

۱. رابطه جنسی و ازدواج، یک رابطه طبیعی و خدا پسندانه است.

۲. انسان را از تعدی و رفتار نابهنجار باز می‌دارد.

۳. از آنجایی که این عمل محبوب خداست زمینه ساز تعالی، شکوفای اخلاق، و فضایل انسانی می‌گردد.

۴. باعث گسترش روابط اجتماعی می‌گردد که گسترش روابط اجتماعی سالم، مودت و دوستی را به دنبال دارد، و تعمیق روابط دوستانه با جامعه موجب شکوفایی عاطفه مثبت می‌گردد. در نتیجه انسان به آرامش روانی و فضیلت انسانی دست می‌یابد. شاید به همین علت است که امام صادق (E) فرمود: «کلما ازداد العبد للنساء حبا ازداد فی الایمان فضلا». (همان جلد ۲۰ ص ۲۴) هرچه علاقه بنده مؤمن به زنان بیشتر شود، ایمان او هم بیشتر می‌شود. در جای دیگر می‌فرماید: «من اخلاق الانبیاء حب النساء». (طبرسی ۱۴۱۲ق ص ۱۹۷) مهروری به زنان، از ویژگیهای اخلاقی پیامبران است.

تردیدی وجود ندارد که ارتباط جنسی زن و مرد براساس معیار شرعی و قانونی ستودنی و مطلوب است. پیامد آن طمأنینه و آرامش روحی، روانی است. چنانچه اگر ارتباط زن و مرد براساس ضوابط شرعی و اخلاقی نباشد، عوارض روانی و رفتاری و... را بدنبال خواهد داشت. نکته مهمی که از بعضی احادیث بدست می‌آید این است که لذت جنسی از تمام لذتهای دنیوی و اخروی برتر است، طبیعی است که رسیدن به لذتهای مشروع موجب نشاط جسمی و روانی می‌گردد و نشاط روحی روانی تنیدگی‌ها و استرسها را از انسان می‌زداید و در نتیجه انسان به آرامش روانی دست یافته؛ در سایه آرامش روان به تعالی اخلاقی و انسانی راه می‌یابد. امام صادق (E) می‌فرماید:

ماتلذذ الناس فی الدنيا والآخرة بلذة اکثر لهم من لذة النساء وهو قول الله تعالی: زین

لنّاس حبّ الشهوات والبنين... و ان اهل الجنة ما يتلذذون بشئ من الجنة اشتهى عندهم من النكاح لاطعام ولا شراب». (حرعاملی ۱۴۱۲ ج ۲۰ ص ۲۳) هیچ لذتی برای مردم دردنیا و آخرت بیشتر از لذت زن نیست و این معنای سخن خداوند است که فرمود: «محبت و تمایل به زن و اولاد برای مردم، زینت داده شده...» اهل بهشت، از هیچ چیزی به اندازه آمیزش، لذت نمی‌برند؛ نه غذا و نه نوشیدنی. به گفته یکی از بزرگان لذت بالای غریزه جنسی بدلیل آن است که اولاد مستلزم پیوند با جنس مخالف است؛ ثانیاً در ارتباط با نیازهای فطری و طبیعی مانند: نیاز به محبت، انس و زیبادوستی است؛ ثالثاً با عاطفه، محبت و پیوند روحی همراه است. در نتیجه لذت آن از هر لذت دیگری بیشتر و بهتر است. (فقیهی ۱۳۸۸ ص ۴۳).

رسول خدا (ﷺ) می‌فرماید: «اذا تزوج الرجل احرز نصف دینه، لیتق الله فی النصف الاخر» (نوری ۱۴۰۷ ج ۱۴ ص ۱۵۴) هرکسی ازدواج کند، نصف ایمانش را کامل کرده است و نصف دیگر را با تقوا پیشگی حفظ نماید. امام علی (علیه السلام): «لم یکن احد من اصحاب رسول الله (ﷺ) یتزوج الا قال رسول الله: کمل دینه» (همان)؛ هیچ‌گاه نبود که یکی از اصحاب ازدواج کند مگر اینکه رسول خدا می‌فرمود: آن شخص دینش را کامل کرد و نیز حضرت فرمود: «یفتح ابواب اسماء بالرحمة فی اربع مواضع... وعند النکاح»؛ (همان) پیامبر اکرم فرمود: درهای رحمت الهی در چهار وقت گشوده می‌شود یکی از آن موارد هنگام عقد ازدواج است. قال (ﷺ): «رکعتان یصلیها المتزوج افضل من رجل عزب یقوم لیله ویصوم نهاره» (حرعاملی ۱۴۱۲ ج ۲۰ ص ۱۹) پیامبر اکرم فرمود: دو رکعت نماز زن و مرد متأهل با ارزش‌تر است از عبادت فرد مجرد که شبها به نماز باشد و روزها را روزه بدارد.

قال رسول الله (ﷺ) لرجل اسمه عکاف الک زوجته؟ قال: لا یا رسول الله قال: الک جاریة؟ قال: لا یا رسول الله. قال (ﷺ): أفأنت موسر؟ قال: نعم و قال: تزوج، والا فانت من المذنبین و فی روایة: تزوج والا فانت من اخوان الشیاطین (نوری ۱۴۰۷ ج ۱۴ ص ۱۵۵) به مرد نامش عکاف بود فرمود: آیا همسر داری؟ مرد گفت خیر ای رسول خدا. حضرت فرمود: آیا کنیز (که با او همبستر شوی) داری؟ مرد گفت: خیر یا رسول الله حضرت فرمود: آیا ثروت داری؟ مرد گفت: بلی. حضرت فرمود: ازدواج کن و اگر نه از کناهکاران خواهی شد. در روایتی دیگر آمده که حضرت فرمود: ازدواج کن و اگر نه برادران شیطان خواهی شد.

قال رسول الله (ﷺ): «المتزوج النایم افضل عند الله من الصائم القايم...» (همان)؛

پیامبر اکرم (ﷺ) فرمود: زن و مرد متأهل خوابیده، نزد خداوند از دختری و پسری مجردی که روزی در حال عبادت باشند بهتر است.

از دیدگاه اسلام تشکیل خانواده یک امر معنوی و قدسی است و رفع نیازهای جنسی از طریق معقول از جایگاه ویژه در زندگی انسان برخوردار است که رسول خدا (ﷺ) آن را در ردیف مهم‌ترین عبادات قرار داده و می‌فرماید: «جعل قره عینی فی الصلاة ولذتی فی النساء». (حرعاملی ۱۴۱۲ ج ۲۰ ص ۲۳) چشم روشنی من در نماز است و لذت من در زنها است. چنانچه راوی در باره بهترین لذتها از امام صادق (ع) سوال می‌نماید: «ای شیء الذی فقال له الذی الاشیاء مباضعة النساء» (همان) راوی می‌گوید: از امام (ع) سوال نمودم چه چیزی لذت‌بخش‌ترین چیزها است؟ حضرت فرمود: مجامعت با زنها لذت‌آفرین چیزها است.

این احادیث به روشنی بیان می‌دارد همانگونه که یاد خدا و به راز نشستن با حضرت حق انسان را از تنهای و تنیدگی‌های روحی روانی رهایی بخشیده و به انسان نشاط و آرامش داده؛ حس نوع دوستی، تعاون و همدردی و فضایل اخلاقی و اجتماعی انسان را شکوفا می‌سازد و صفات رذیله‌ی مانند حرص و کینه و... را از انسان می‌زداید.

ارضای نیازهای جنسی زن و مرد از طریق مشروع نیز به انسان نشاط و آرامش بخشیده و انسان را از بسیاری لغزشهای اخلاقی و اجتماعی محفوظ و مصون می‌دارد. در اثر مصونیت انسان از انحرفهای اخلاقی و... است که انسان به کمال و معنویت می‌رسد. چنانچه پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «من تزوج احرز نصف دینه؛ هرکسی ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است. در جای دیگر می‌فرماید: «مسکین مسکین رجل لا زوجة» (نوری ۱۴۰۷ ق ج ۱۴ ص ۱۵۲) مردی که همسر ندارد بسیار بیچاره است.

در روایتی از امام باقر (ع) آمده است که حضرت می‌فرماید: «لهو المؤمن فی ثلاثة اشیاء: التمتع بالنساء و مفاکهة الاخوان و الصلوة باللیل» (مجلسی ۱۴۱۰ ق ج ۸۷ ص ۱۴۲) امام باقر (ع) فرمود: نشاط مؤمن در سه چیز است: رابطه جنسی با همسر، شوخی با برادران دینی و نماز شب.

این حدیث به صراحت تمام بیان می‌دارد همانگونه که نماز در دل شب در تعالی روحی و معنوی انسان مؤثر است و انسان را به مقام والا می‌رساند. (اسراء ۷۹) آمیزش جنسی از طریق مشروع نیز انسان را به مقام پاکی، پاکدامنی که سرچشمه بسیاری از فضایل و کمالات نفسانی است هدایت

نموده، امنیت و آسایش جامعه بشری را تضمین می‌نماید. در سایه امنیت روانی و اجتماعی بیشتر شکوفای معنویت و انسانیت شکل می‌گیرد. جامعه به سوی یک جامعه آرمانی بدور از نابهنجاریهای اخلاقی به سوی کمال و الهی شدن پیش می‌رود و به اخلاق الهی متصف می‌گردد.

در چنین جامعه است که استعداد های مادی و معنوی انسانها رشد یافته و در مسیر حقیقت کامیابی به کار گرفته می‌شود و زمینه پیشرفت و تعالی بشری مهیا می‌گردد. افراد جامعه به امنیت و آرامش روانی دست می‌یابد. از امام علی^{علیه السلام} نیز روایت شده است که رفع نیازهای جنسی همسران تعادل روانی آرامش روحی و جسمی را بدنبال دارد.

قال علی^{علیه السلام}: اذا كان باحدكم أوجاع في جسده وقد غلبته الحرارة فعليه بالفراش. قيل للباقر^{علیه السلام}:
يا بن رسول الله ما معنى الفراش؟ قال: غشيان النساء فانه يسكنه ويطفئه» (مجلسی
بحار انوار ۱۴۱۰ ج ۳ ص ۲۹۱)؛ هرگاه یکی از شما در بدنش احساس بیماری کرده و حرارتش بالا
رفت، با بستر پناه ببرید. از امام باقر^{علیه السلام} سوال شد: ای پسر رسول خدا مقصود از بستر چیست؟ فرمود:
بستر زن (همسر) و ارتباط جنسی با اوست که سبب سکون و آرامش می‌شود.

ب) توجه به عوامل روانشناختی

هرچند توجه به نیازهای زیستی اهمیت بسیاری در زندگی انسان دارند. اما نیازهای روانشناختی در ساحه فردی و خانوادگی و... در آموزه‌های دینی و مکاتب روانشناسی توجه مهمتری را به خود اختصاص داده است که در اینجا بطور گذرا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. عوامل امنیت و ایمنی

امنیت و آسایش از نیازهای ضروری و اساسی انسانها بوده و عبارت است از: نبود ترس در امان بودن از خطر و داشتن آرامش. (دهخدا ۱۳۷۳ ص ۵۷۱) همه تلاشهای بشر در واقع برای تأمین امنیت است. هرچند ضرورت امنیت در تمام زندگی انسان انکار ناپذیر است اما ضرورت آن در محیط خانواده از اهمیت حیاتی برخوردار است زیرا نهاد خانواده بر اساس آرامش و امنیت بنا نهاده شده است. «قلنا یا آدم اسکن انت و زوجک الجنة» (بقره ۳۵) همانگونه که هدف اصلی از خانه سازی و محل سکونت، حفظ امنیت و آسایش خانواده از گزند رهنان، گرما و سرما و... است؛ «والله جعل لکم من بیوتکم سکنًا» (نحل ۸۰).

از دیدگاه اسلام اساساً تشکیل خانواده و بنای خانه (منزل) برای رسیدن به آسایش و امنیت بنا نهاده شده است. در صورت نبود امنیت در خانه و خانواده اعضایی خانواده به آرامش نخواهند رسید. افرادی که در خانه و خانواده امنیت نداشته باشند و خانه پایگاه امن برای آنها نباشد و از خانه آواره و متواری شده در دام رهنزان و کج اندیشان و... قرار گرفته و به انواع انحرافات و کج رویها گرفتار خواهد شد.

لذاست که در منابع اسلامی، امنیت منبع خیر و برکت، آسایش و رفاه، بهترین نعمتهای و ضروری ترین و اساسی ترین نیازها برای زندگی بشریت معرفی گردیده است. قال الصادق علیه السلام: «ثلاثة اشياء يحتاج الناس طرا اليها الامن و العدل...» (مجلسی ۱۴۱۰ ج ۷۵ ص ۲۳۴) امام صادق علیه السلام فرمود: همه انسانها به سه چیز نیازمندند: امنیت و عدالت. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «الاخیر فی الوطن الامع الامن والسرور» (صدوق ۱۴۱۳ ج ۴ ص ۳۷). در وطنی که امنیت و شادی نباشد خیر و برکت نیست.

قال علی علیه السلام: «لا نعمته اهنأ من الامن» (آمدی بی تا ص ۴۷۷) نعمتی گوارتر از امنیت وجود ندارد. ونیز فرمود: «رفاهيته العیش فی الامن» (همان). آسایش زندگی در امنیت است. هم چنین فرمود: «أنس الامن تذهب وحشته الوحده و أنس الجماعة ينكده وحشته المخالفة» (همان). آرامش در تنهایی، با وحشت از تنهایی از بین می رود و آرامش در میان جمعیت با نبود امنیت نابود می گردد. قال علیه السلام: «لا ينبغي للعاقل ان یقیم علی الخوف اذا وجد الی الامن سیلا» (همان). سزاوار نیست انسان عاقل که راهی برای آرامش و امنیت دارد در ترس و نگرانی زندگی کند از احادیث و سخنان پیشوایان دین به این نکته می رسیم که امنیت در خانواده از اهمیت پایدار و مهمی برخوردار است.

در سایه امنیت در خانواده و جامعه است که استعدادهای افراد شکوفا گردیده و زمینه پیشرفت و تکامل مادی و معنوی انسانها فراهم می گردد. چنانچه در نبود امنیت استعدادها از رشد و شکوفایی بازمانده در نتیجه جامعه نه تنها به سوی ترقی و تعالی سیر نمی کند؛ بلکه سیر قهقهرای به خود گرفته و از کاروان تمدن بشری و فضایل اخلاقی و... باز خواهد ماند البته ناگفته نماند که امنیت ابعاد گوناگونی دارد و برخی از آنها عبارتند از: امنیت جانی، امنیت

روانی، امنیت اقتصادی و امنیت ورزشی و... .

بنابراین در جای که امنیت وجود دارد ترس، دلهره و... وجود ندارد. از این رو خشونت، آزار، جنگ و نا امنی از عوامل اساسی نبود امنیت به حساب می‌آیند. با نبود امنیت آرامش به وجود نمی‌آید. لذا لازم و ضروری است برای به وجود آمدن امنیت با عوامل وریشه‌های مخل امنیت که عبارت از ترس، وحشت و... است مبارزه کرده و از پدید آمدن نگرانی و ترس در کانون خانواده باید جلوگیری به عمل آورده و فضای امنی باید در محیط خانواده حکم فرما گردد. پدید آمدن فضای امن در خانواده از دیدگاه اسلامی، براساس عقل‌مداری، دین‌مداری، اخلاق‌مداری و عزت‌مداری استوار است. برخانواده است که برای بدست آوردن و تقویت این ارزشها از هیچ تلاشی دریغ نورزیده، و برای تقویت و استحکام آنها باید گامهای وسیع و همت بلیغی را از خود نشان دهد و پیشوایان دین در این زمینه توصیه‌های دارد که به نمونه از آنها اشاره می‌گردد.

قال محمد الهادی: «من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره» (مجلسی ۱۴۱۰ ج ۷۲ ص ۳۰۰)؛ از

شرکسی که خود را کوچک و پست می‌شمارد، امنیت نخواهید داشت. قال امام علی: «

من استحکمت لی فیه خصلته من خصال الخیر، احتملته علیها و اغتفرت فقد ما سواها و لا اغتفر فقد عقل و لادین، لان مفارقه الدین مفارقه الأمن، فلايتها بحياة مع مخاقتها و فقد العقل فقد الحیاة و لا یقاس الا بالاموات» (حکیمی ۱۳۸۵ ج ۱ ص ۷۹) هرکه در او خصلتی از خصال نیک بر من ثابت شود، او را پذیرا می‌شوم و از نبودن چیزهای دیگر چشم می‌پوشم، لیک از نبودن خرد و دین چشم پوشی نمی‌کنم. زیرا جدایی از دین جدایی از امنیت خاطر است. و زندگی با ناامنی و نگرانی گوارا نخواهد بود فقدان خرد نیز به منزله فقدان حیات است و بیخرد را جز با مردگان نتوان قیاس کرد.

قال علی: «اذا حسن الخلق لطف النطق و من حسنت خلیقته طابت عشرته» (آمدی

بی تا ص ۲۵۵) حسن خلق سخن گفتن را زیبا و زندگی را جذاب و نیکو می‌سازد. امام صادق: «می‌فرماید: «لا عیش اهنأ من حسن الخلق» (مجلسی ۱۴۱۰ ج ۶۸ ص ۳۸۹) زندگی و معاشرتی گواراتر از حسن خلق نیست.

این احادیث به خوبی بیان می‌دارد که رابطه و پیوند عمیقی بین خردورزی، دین‌مداری و اخلاق‌مداری و امنیت وجود دارد. خانواده و جامعه که براساس این مؤلفه‌ها (خردورزی...)

پی‌ریزی شده است، امنیت در آنجا پایدار گردیده و از تعادل روانی رفتاری برخوردار خواهد شد و در سایه تعادل روانی رفتاری خانواده و جامعه به ثبات و آرامش دست می‌یابند. برعکس در صورتی که خردورزی و... از خانواده و جامعه رخت بر بندد؛ امنیت و آسایش نیز از آنجا رخت بر بسته، آنها در حسرت رفاه و امنیت سوگوار خواهند ماند. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که امنیت و آسایش خانواده در سایه خردورزی، ایمان، عزت مداری و ارزش مدار پایدار و تثبیت می‌گردد و در پرتو اینها خانواده به آرامش می‌رسد.

۲. عوامل زیبای شناختی

انسان فطرتاً زیبای را دوست دارد و از زشتی و نازیبای انزجار و دوری می‌ورزد. گرایش به زیبای تقریباً در همه انسانها در طول تاریخ وجود داشته و در آثار باقی مانده از آنها گرایش به زیبای به چشم می‌خورد. شهید مطهری می‌گوید: انسان زیبای را در تمام شئون زندگی خود دخالت می‌دهد. انسان دوست دارد قیافه‌اش نامش، جامعه‌اش، خطش، شهر و محل زندگی‌اش زیبا باشد. (مطهری بی تا ج ۲ ص ۲۷۷) نیاز به زیبای و زیبا شناختی در متون دینی از اهمیت ویژه برخوردار است.

قال رسول الله ﷺ: «ان الله جميل يحب الجمال» (محمدی ری شهری ۱۳۸۱ ص ۱۰۸) رسول خدا ﷺ: خدا زیبا است و زیبای را دوست می‌دارد. قال الصادق علیه السلام: «البس و تجمل فان الله جميل و يحب الجمال ولیکن من حلال» امام صادق علیه السلام: لباس زیبا بپوشید، زیرا خداوند زیبا است و زیبای را دوست می‌دارد. به شرط اینکه از طریق حلال بدست آمده باشد. پیامبر اکرم می‌فرماید: «الجمال فی اللسان» (حرانی ۱۴۰۴ ص ۳۷) حقیقت زیبای در سخنان زیبا است. علی علیه السلام می‌فرماید: «اول ما یر الرجل ولده ان یسمه باسم حسن» (کلینی ۱۴۰۷ ج ۶ ص ۱۸) امام علی علیه السلام فرمود: نخستین نیکی انسان به فرزندش نام زیبایی است که برای او انتخاب می‌کند.

از مجموع روایات که در این زمینه وجود دارد بدست می‌آید که انسان باید زیبایی در گفتار، رفتار، لباس پوشیدن و شیوه زندگی خود را باید رعایت نماید. شاید حکمت توصیه‌های پیشوایان دین در باره زیبا شناختی و زیبای این باشد که تأمین نیازهای زیباشناختی انسان در تأمین سلامت روانی و آرامش روانی انسان به ویژه در خانواده مؤثر می‌باشد.

از این رو است که پیشوایان دین توصیه‌های بسیاری در زمینه آراستگی و زیبا شناختی همسران نموده و آن را در استحکام و آرامش خانواده مهم و مؤثر می‌داند. امام صادق^ع توجه به آراستگی و زیبا شناختی در آرامش و انسجام خانواده را مورد توجه قرار داده می‌فرماید: «در روابط بین زن و شوهر، مرد نیازمند سه چیز است که آنها آراستگی ظاهریش در مقابل دیدگان زن، برای به دست آوردن قلب او است و زن نیز به سه چیز نیاز دارد که یکی از آنها آراستگی زیبایش در برابر شوهر است» (طوسی ۱۴۱۴ ص ۷۲۲).

این احادیث و روایاتی دیگری که در این زمینه وجود دارد به خوبی بیان می‌دارد که توجه به نیازهای زیباشناختی، پاسخ به نیازهای طبیعی و فطری انسان است از این رو نقش مهمی در آرامش خانواده دارد. چنانچه در تحقیقاتی بالینی به اثبات رسیده است که برخی افراد نیاز خاصی به زیبایی دارند. آنها با دیدن زشتیها و بدیها بیمار می‌شوند و با زیبایی محیط اطرافشان درمان می‌یابند. (سالاری فر ۱۳۹۰ ص ۱۱۰) بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که توجه به نیازهای زیباشناختی در خانواده سهم به‌سزایی در آرامش روانی خانواده دارد.

۳. عوامل معنویت

انسان علاوه بر نیازهای زیستی و روانی از نیازهای معنوی نیز برخوردار است آرامش معنوی از تأمین نیازهای انسان به خالق هستی و ایمان به خدا سرچشمه می‌گیرد. از آنجا که انسان نیازمند آفریده شده است. فقر وجودی انسان منشأ اصلی ناآرامی او به شمار می‌رود. براین اساس انسان زمانی به آرامش می‌رسد که خود را در سایه امن و پناهگاه قدرت الهی یافته و ارتباط عمیق بین خود و خداوند برقرار نماید. زیرا وجود نیازمند و بی‌قرار زمانی به آرامش می‌رسد که پیوند استواری با موجود بی‌نیاز و قدرت مطلق برقرار نماید و با تکیه و اعتماد با خداوند لایزال است که انسان در تلاطم و نابسامانیهای روزگار، احساس تنهایی و ناامنی نمی‌کند و خود را در حمایت قدرتی می‌داند که همه قدرت‌ها و حوادث در اختیار قبضه قدرت او است. بنابراین جز با ایمان، اتکا و یاد او «خداوند» انسان به آرامش حقیقی نمی‌رسد. که «یاایها الذین امنو و تطمئن قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن قلوب» (رعد ۲۸) همان کسانی که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان

به یاد خدا مطمئن و (آرام) است؛ آگاه باشید تنها با یاد خدا دلها آرام می‌گیرد.

به گفته یکی از بزرگان: همیشه اضطراب و نگرانی یکی از بزرگترین بلاهای زندگی آنها بوده و هست و عوارض ناشی از آن در زندگی فردی و اجتماعی کاملا محسوس است. همیشه آرامش یکی از گمشده‌های مهم بشر بوده و به هر دری می‌زند تا آنرا پیدا کند. (مکارم شیرازی ۱۳۷۴ ج ۱۰ ص ۲۱۰) غافل از اینکه آرامش حقیقی جز با یاد و ذکر خدا محقق نمی‌شود. که «هو الذی انزل سکینه فی قلوب المومنین لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم» (فتح ۴) او کسی است که آرامش را در دل‌های مومنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند.

«سکینه» در اصل از ماده «سکون» به معنی آرامش و اطمینان خاطری است که هر گونه تردید و وحشت را از انسان زایل می‌کند و او را در طوفان حوادث ثابت قدم می‌دارد (مکارم شیرازی ۱۳۷۴ ج ۲ ص ۳۸). بنابراین به این نتیجه می‌رسیم اگر ایمان ثمره جز آرامش و اطمینان نداشت، کافی بود که انسان با تمام وجود آنرا پذیرا شده و از آن استقبال نماید.

در سایه ایمان است که انسانها در برابر حوادث و طوفانهای زندگی نه تنها به نومی‌دی و نگرانی و تزلزل دچار نمی‌گردند بلکه اعتماد و اطمینان شان به یاری خداوند نیز بیشتر شده؛ «لizardادوا ایمانا مع ایمانهم» و قطعاً آرامش شان نیز بیشتر خواهد شد.

این حقیقت توسط روانشناسان نیز به اثبات رسیده است که منشا بسیاری از بیماری‌ها به خاطر کمبود و یا نبودن معنویت و ایمان در زندگی انسانها است.

چنانچه آقای یونگ می‌گوید: من پس از سی سال تحقیق و بررسی که روی بیماران از ملیت‌های مختلف انجام دادم. به این نتیجه رسیدم آنهايي گرفتار بیماریهای روانی شده بودند که نیازهای معنوی شان ارضا نشده بود. تنها وقتی به دین بازگشتند و نیازهای معنوی شان ارضا شد، به طور کامل درمان شدند. (سالاری فر ۱۳۹۰ ص ۱۱۶) امام صادق (ع): «القلب حرم الله فلا تسکن حرم الله غیر الله» (محمدشعیری ۱۳۶۳ ص ۱۸۵) قلب انسان حرم الهی است، حرم و جایگاه حق با غیر حق آرام نمی‌گیرد. امام علی (ع): «قوة القلب من صحته الايمان» (نثرالالی ۹۳) آرامش و قوت قلب برآمده از ایمان است.

و نیز حضرت می‌فرماید: «الرغبۃ بالآخرة عندالله تورث الروح والراحۃ والرغبۃ

فی الدنيا تورث الیهم و الحزن» (دیلمی ۱۴۱۲ ج ۱ ص ۱۹) رغبت و تمایل به سوی نعمتهای اخروی است که موجب آرامش قلبی و آسایش جسمی می‌شود و پیامد رغبت به سوی امور دنیایی غم و اندوه است.

حقیقتاً آرامش دنیوی، هنگامی تأمین می‌گردد که تلاشهای انسان در مسیر هدایت الهی قرار گیرد. با توجه به این واقعیت است که آرامش معنوی که مهم‌ترین سطح آرامش است، تنها بر مبنای ایمان به خداوند یکتا تأمین می‌گردد. آرامش معنوی در خانواده نیز در همین راستا قابل درک و فهم می‌باشد. خانواده از منظر دین نهاد مقدس است که اساس آن بر پایه معنویت و ازدیاد ایمان دانسته شده است. احادیثی بسیاری در این زمینه وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می‌گردد.

این روایات به صراحت و شفافیت تمام بیان می‌دارد که با تشکیل کانون گرم خانواده ایمان و معنویت در افراد شکوفا می‌شود و با شکوفایی و رشد ایمان و معنویت، مشکلات، مرارتهای و ناسامانیهای اجتماعی تقلیل پیدا نموده و انسان در مانده و مضطرب نمی‌گردد و قتی انسان در مقابل نارسائیهای زندگی در مانده و متزلزل نگردد به ایمان پایدار دست یافته است. چنین ایمانی (پایدار) انسان را به مقام قرب الهی می‌رساند و سر انجام انسان از آرامش روانی برخوردار می‌گردد.

ج) توجه به عوامل عاطفی

سوال این است که نیازهای عاطفی چه تأثیری بر آرامش خانواده دارد؟ گرایش عاطفی زن و مرد به همدیگر ریشه در فطرت و خلقت آدمیان دارد. «ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیهما و جعل بینکم مؤدۃ و رحمت» (روم ۲۱ و ۲) واز نشانه‌های او (خدا) اینکه همسرانی از جنس خود تان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میان تان مودت و رحمت قرار داد.

محبت و عاطفه مثبت در زندگی خانوادگی سختی‌ها و نارساییها و کمبودها را جبران می‌کند و بسیاری از مشکلات زندگی به برکت محبت و مودت آسان می‌گردد. محبت در خانواده و اجتماع موجب اطمینان و اعتماد گردیده و بدون محبت زندگی بی‌معنا و پوچ خواهد بود. در سایه محبت زندگی معنا یافته و بارور می‌گردد.

محبت تنها یک احساس زبانی و احساسی نیست. محبت متعالی‌ترین واژه عشق و

زیباترین جلوه ایمان و دین مداری است. قال باقر^{علیه السلام}: «الدين هو الحب والحب هو الدين» (ری شهری ۱۳۷۹ ج ۲ ص ۴۲۵)؛ امام باقر^{علیه السلام}: دین همان محبت و محبت همان دین است. آری دین جزء محبت و محبت جز دین است زیرا بوسیله محبت است که دینداری معنا و تفسیر می‌گردد. در سایه محبت، آرامش در جامعه و خانواده به وجود می‌آید. در پرتو آن آرامش و ارزشهای انسانی ظهور و بروز می‌یابد. نیاز به محبت مهمترین نیاز انسانی است و بدون محبت و دوستی انسان و خانواده به آرامش نمی‌رسد. از حدیث شریف چنین بر می‌آید خانواده و جامعه که در آن محبت وجود نداشته باشد دینداری در آنجا معنا و مفهوم ندارد.

قال رسول الله (ﷺ): يا علي المحبة عند الله و الملائكة و في قلوب المؤمنين. يا علي ان الله تعالى اعطى المؤمنين ثلاثة: المقت، والمحبت و المحاببت في صدور المؤمنين» (ری شهری ۱۳۷۹ ص ۹۸)؛ ای علی^{علیه السلام}! محبت، نزد خداوند و ملائکه و در دل‌های مومنان است. ای علی! خداوند متعال به مومنان سه چیز داده است: مهر، محبت و شکوه در سینه‌های مومنان.

براساس گفتار پیامبر اکرم (ﷺ) دوستی و محبت واقعی جز در نزد خدا، ملائکه و در سینه‌های مومنین واقعی دیده نمی‌شود. در دل‌های مومنان واقعی حيله و نیرنگ وجود ندارد تا در اظهار دوستی آنها شک و تردید به وجود بیاید. امام صادق^{علیه السلام}: «هل الدين الا الحب؟» (ری شهری ۱۳۷۹ ج ۲ ص ۴۲۶) آیا دین، جز محبت نمی‌داند.

بنابراین چه زیبا است که این محبت در کانون گرم خانواده تبلور یابد و مایه آسایش و گرمی خانواده گردد تا خانواده در فضای محبت و مودت به آرامش رسیده و با آرامش و اطمینان پله‌های معنویت و کمال را طی نماید. در اینجا به شیوه‌های رفتاری، کلامی و غیر آن که در روابط عاطفی خانواده تأثیر گذار است اشاره می‌شود:

۱. عوامل کلامی

در شیوه برقرار روابط کلامی، تفاوت‌های بین افراد بزرگسال مرد و زن و کودکان وجود دارد که لازم است به این تفاوت‌ها توجه گردد. در متون دینی به نحوه گفتار و مضمون آن، اهمیت داده؛ و توصیه‌های نیز نموده است گفتگوی اعضای خانواده باید محترمانه، دلنشین و با آهنگ زیبا و ملایم باشد. قرآن کریم در مورد لطافت، شدت و خشونت صدا تعبیر بسیار زیبا می‌دارد. «واقصد فی مشیک واغضض

من صوتک ان انکر الاصوات لصوت الحمیر» (لقمان ۱۹) (پسرم) در راه رفتن اعتدال را رعایت کن، از صدای خود بکاه (هرگز فریاد مزن) که زشت ترین صداها صدای خران است. زشتی صدای آلاغ نه از نظر بلندی صدا و طرز آن بلکه به جهت بی دلیل بودن نیز هست. (مکارم شیرازی ۱۳۷۴ ج ۱۷ ص ۵۶) پیام مهمی آیه شریفه، توصیه به اعتدال رفتاری و گفتاری در خانواده و جامعه و پرهیز از افراط و تفریط است که منشأ بسیاری از مشکلات و نارساییها در سطح خانواده و جامعه گردیده است. از نشانه‌های دیگری احترام در گفتگو این است که زن و شوهر همدیگر را به بهترین نامی که دوست دارند صدا بزنند. «یدعوه به احب الاسماء» (۱۴۰۷ق ج ۲ صفحه ۶۴۳) گرچند این حدیث عام است ولی دلیلی ندارد که در مورد خانواده به کار گرفته نشود. نیز اظهار به محبت به خانواده قدردانی از تلاشهای همدیگر و بسیاری از شیوه کلامی مناسب در تحکیم و آرامش خانواده مؤثر است که باید به آن توجه گردد.

۲. عوامل غیر کل امی

در این روابط افراد بوسیله وضعیت بدن مانند طرز قرار گرفتن در برابر هم مقدار فاصله از همدیگر، حالات چهره مانند گرفتگی و گشادگی، نوع حرکات تماسهای بدنی و چشمی آگاهانه یا نا آگاهانه به تعامل میپردازند.

نوع برقراری روابط غیر کلامی پیام بسیار رساتر از روابط کلامی دارد. چنانچه انسان با افراد عبوس و گرفته روبرو می شود ناخواسته وضعیت او به حالات روانی انسانی اثر می گذارد. چنانچه اگر با افراد بشاش و شاداب مواجه گردد روحیات او نیز بر انسان اثر گذاشته، انسان را شاداب و مسرور می سازد که در متون دینی از روابط غیر کلامی به حسن خلق تعبیر گردیده است که به نمونه از آنها اشاره می شود.

قال رسول الله (ﷺ) «حسن الخلق یثبت المودة» (ری شهری ۱۳۷۹ ص ۱۰۲): خوش روی، دوستی را استوار می کند. قال علی (علیه السلام): «حسن الخلق بورث المحبت ویوکلد المودة» (همان): خوش خوئی، محبت به بار می آورد و دوستی را استوار می کند.

قال صادق (علیه السلام): «حسن الخلق مجلبت للمودت» (همان): خوش روی جلب محبت می کند. قال رسول الله (ﷺ): «... و زوجته مؤمنة تسره اذا نظر اليها...» (نوری ۱۴۰۷ ج ۱۴ ص ۱۶۸): نگاه

مهربانانه زن و شوهر به یکدیگر موجب نشاط آنان می‌گردد. در مورد وضعیت بدنی در آموزه‌های دینی به فروتنی در روابط افراد تأکید شده است. قال علی^{علیه السلام}: «ثمرۃ التواضع المحبۃ» (آمدی بی تا غررالحکم) دوستی میوه فروتنی است قال: «فی حسن المصاحبتہ یرغب الرفاق» (دوستی در قرآن؛ با خوش رفتاری، رفیقان [به دوستی با انسان] تمایل پیدا می‌کند. نیز فرمود: حسن الصحبه یزید فی محبت القلوب» (همان) خوش رفتاری، بر دلها محبت می‌افزاید.

قال^{علیه السلام}: «البشاشۃ حبالۃ المودۃ» (همان) گشاده روی، وامی برای دوستی است. احادیثی که در این جا ذکر شد به روشنی بیان می‌دارد که رفتار و روابط غیر کلامی در جلب دوستی و محبت بسیار تأثیر گذار است.

بنابراین زن و شوهر باید به این توصیه‌های پیشوایان دین توجه نموده و آن را سرلوحه زندگی خویش قرار دهد. تا بتواند در پرتو کلمات گهربار اهل بیت^{علیهم السلام} زندگی آرام و با نشاطی را در محیط خانواده بوجود آورده و زندگی سرشار از محبت و مسرت‌انگیزی را تجربه نماید و با کمال آرامش زندگی توأم با صمیمیت و رضایتمندی را تجربه کند.

نتیجه

از بررسی مجموعه روایاتی که در باره تشکیل خانواده، روابط بین زوجین و فرزند پروری وجود دارد؛ به این نتیجه می‌رسیم که از دیدگاه متون دینی خانواده یک نهاد مقدس و الهی است که در راستای تحقق خلقت و آفرینش انسان صورت گرفته است. با تشکیل نهاد مقدس خانواده است که زن و مرد به کمال می‌رسد و ایمان و باورهای دینی در آن رشد می‌یابد. شکوفه‌های معنویت، مهر و عاطفه انسانی و از خودگذری در انسان بارور و آرامش روانی و سلامت جسمانی انسان تأمین می‌گردد و با پرورش فرزندان خلاق و سالم نسل بشر استمرار یافته؛ در بهسازی و سلامت روانی اجتماعی نیز یاری می‌رساند.

بنابراین از دیدگاه اسلام، انسان بدون تشکیل خانواده، انسانی ناقص است و به کمال نمی‌رسد و تنها با تشکیل کانون گرم خانواده است که استعداد مادی و معنوی انسان بارور گردیده و به کمال مطلوب و آرامش می‌رسد.

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- حر عاملی، محمد (۱۴۱۲)، وسایل الشیعه، قم: ال بیت لاحیا التراث، چاپ اول.
- حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل رسول، قم: جامعه مدرسین.
- سالاری فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن ابن ابی الحسن (۱۴۱۲)، ارشادالقلوب، قم: انتشارات شریف رضی.
- سالاری فر، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰)، بهداشت روانی بانگش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- شعیری، محمدبن محمد (۱۳۶۳)، جامع الاخبار، قم: انتشارات شریف رضی.
- صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲)، مکارم الاخلاق، قم: انتشارات شریف رضی.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۴)، امالی، قم: انتشارات دارالثقافة.
- عیسی زاده، عیسی (۱۳۹۰)، خانواده قرآنی، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم.
- فقیهی، علی نقی (۱۳۸۸)، تربیت جنسی، مبانی اصول و روشها از منظر قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث، چاپ سوم.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۹۸۹)، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- محمدرضا، حکیمی و برادران (۱۳۸۵)، الحیات، ج ۳، ترجمه: احمد آرام، قم: انتشارات دلیل ما.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹)، دوستی در قرآن و حدیث، ترجمه: حسن اسلامی، قم: دارالحدیث.
- _____ (۱۳۸۱) میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.
- _____ (۱۳۸۱)، منتخب میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۷)، مستدرک الوسائل.

